



بِسْمِ  
الرَّحْمَنِ  
الرَّحِيمِ



# پرسش چهارگزینه‌ای برگزیده ادبیات عرب



تدوین: دکتر محمد صدری ارحامی

انتشارات چتر دانش



- **سرشناسه:** صدری ارحامی، محمد، ۱۳۶۵ -
- **عنوان و نام پدیدآور:** ۵۰۰ پرسش چهارگزینه‌ای برگزیده ادبیات عرب.
- **مشخصات نشر:** تهران: چتر دانش، ۱۳۹۵.
- **مشخصات ظاهری:** ۲۱۷ص؛ ۱۴/۵×۲۱/۵ س.م.
- **شابک:** ۹۷۸-۶۰۰-۴۱۰-۰۹۴-۶
- **وضعیت فهرست‌نویسی:** فیپای مختصر.
- **یادداشت:** فهرست‌نویسی کامل این اثر در نشانی: <http://opac.nlai.ir>
- قابل دسترسی است.
- **شماره کتابشناسی ملی:** ۴۲۹۶۱۰۶

- 
- **نام کتاب:** ۵۰۰ پرسش چهارگزینه‌ای برگزیده ادبیات عرب
  - **ناشر:** چتر دانش
  - **تدوین:** دکتر محمد صدری ارحامی
  - **نوبت و سال چاپ:** سوم - ۱۴۰۱
  - **شمارگان:** ۵۰۰
  - **شابک:** ۹۷۸-۶۰۰-۴۱۰-۰۹۴-۶
  - **قیمت:** ۷۰۰۰۰ تومان

فروشگاه مرکزی: تهران، میدان انقلاب، خم‌نبری‌جاوید (اردیبهشت شمالی)، پلاک ۸۸

تلفن مرکز پخش: ۶۶۴۹۲۳۲۷ - تلفن فروشگاه کتاب: ۶۶۴۰۲۳۵۳

[nashr.chatr@gmail.com](mailto:nashr.chatr@gmail.com)

کلیه حقوق برای مؤلف و ناشر محفوظ است.

# سخن ناشر

رشته حقوق با تمام شاخه‌ها و گرایش‌هایش، به‌منزله یکی از پرطرفدارترین رشته‌های دانشگاهی کشور، تعداد فراوانی از دانشجویان علوم انسانی را به‌خود جلب کرده است؛ دانشجویانی که پس از تحصیل، وارد عرصه خدمت شده و در مناصب و جایگاه‌های گوناگون به ایفای وظیفه مشغول می‌شوند.

منابعی که در دانشکده‌های حقوق، مبنای کار قرار گرفته و تحصیل دانشجویان بر مدار آن‌ها قرار دارد، در واقع، مجموعه کتب و جزواتی هستند که طی سالیان متمادی چنان‌که باید تغییر نیافته و خود را با تحولات و نیازهای زمانه هماهنگ نکرده‌اند.

این، درحالی است که نیاز مبرم دانش‌پژوهان به مجموعه‌های پربار و سودمند، امری انکارناپذیر است. به‌این ترتیب، ضرورت تدوین کتب غنی و ارزشمند برای رفع نیازهای علمی دانشجویان رشته حقوق و نیز رشته‌های متأثر از آن، باید بیش از گذشته مورد توجه قرار گیرد؛ کتاب‌هایی که روزآمدی محتوای آنها از یک سو و تناسب آنها با نیاز دانش‌پژوهان از سوی دیگر، مورد توجه و لحاظ ناشر و نویسنده، قرار گرفته باشد.

**مؤسسه آموزش عالی آزاد چتر دانش**، در مقام مؤسسه‌ای پیشگام در امر نشر کتب آموزشی روزآمد و غنی، توانسته است گام‌های مؤثری در همراهی با دانشجویان رشته حقوق بردارد. این مؤسسه افتخار دارد که با بهره‌مندی از تجربیات فراوان خود و با رصد دقیق نیازهای علمی دانشجویان، به تولید آثاری همت‌گمارد که مهم‌ترین دستاورد آن‌ها، تسهیل آموزش و تسریع یادگیری پژوهندگان باشد. انتشارات چتر دانش امیدوار است با ارائه خدمات درخشان، شایستگی‌های خود را در این حوزه علمی بیش از پیش به‌منصه‌ی ظهور برساند.

فرزاد دانشور

مدیر مسئول انتشارات چتر دانش

۱۰	جامد و مشتق .....
۱۱	سؤالات جامد و مشتق .....
۱۵	پاسخ‌نامه جامد و مشتق .....
۱۷	مذکر و مؤنث (جنس) .....
۱۸	سؤالات مذکر و مؤنث (جنس) .....
۱۹	پاسخ‌نامه مذکر و مؤنث (جنس) .....
۲۰	مثنی و جمع (تعداد) .....
۲۱	سؤالات مثنی و جمع (تعداد) .....
۲۲	پاسخ‌نامه مثنی و جمع (تعداد) .....
۲۳	نسبت .....
۲۳	سؤالات نسبت .....
۲۵	پاسخ‌نامه نسبت .....
۲۷	مصغّر .....
۲۷	سؤالات مصغّر .....
۲۸	پاسخ‌نامه مصغّر .....
۳۰	معرفه و نکره .....
۳۱	سؤالات معرفه و نکره .....
۳۵	پاسخ‌نامه معرفه و نکره .....
۳۷	معرب و مبنی .....
۴۱	سؤالات معرب و مبنی .....

۴۵	.....	پاسخ‌نامه عرب و مبنی
۴۹	.....	معلوم و مجهول
۵۰	.....	سؤالات معلوم و مجهول
۵۲	.....	پاسخ‌نامه معلوم و مجهول
۵۴	.....	ثلاثی مجرد و مزید
۵۵	.....	سؤالات ثلاثی مجرد و مزید
۵۸	.....	پاسخ‌نامه ثلاثی مجرد و مزید
۶۰	.....	رباعی
۶۰	.....	سؤالات رباعی
۶۱	.....	پاسخ‌نامه رباعی
۶۲	.....	مضاعف
۶۲	.....	سؤالات مضاعف
۶۴	.....	پاسخ‌نامه مضاعف
۶۶	.....	مهموز
۶۷	.....	سؤالات مهموز
۶۸	.....	پاسخ‌نامه مهموز
۶۹	.....	معتل
۷۴	.....	سؤالات معتل
۷۷	.....	پاسخ‌نامه معتل
۷۹	.....	اعراب فعل مضارع
۸۳	.....	سؤالات اعراب فعل مضارع
۸۶	.....	پاسخ‌نامه اعراب فعل مضارع

۹۰	فاعل و نائب فاعل
۹۲	سوالات فاعل و نائب فاعل
۹۴	پاسخ نامه فاعل و نائب فاعل
۹۶	مبتدا و خبر (جمله اسمیه)
۹۹	سوالات مبتدا و خبر (جمله اسمیه)
۱۰۱	پاسخ نامه مبتدا و خبر (جمله اسمیه)
۱۰۴	نواسخ
۱۰۸	سوالات نواسخ
۱۱۱	پاسخ نامه نواسخ
۱۱۴	مفعول مطلق
۱۱۵	سوالات مفعول مطلق
۱۱۷	پاسخ نامه مفعول مطلق
۱۱۹	مفعول به
۱۲۰	سوالات مفعول به
۱۲۲	پاسخ نامه مفعول به
۱۲۴	مفعول فیہ
۱۲۶	سوالات مفعول فیہ
۱۲۷	پاسخ نامه مفعول فیہ
۱۲۹	مفعول له (لاجله)
۱۲۹	سوالات مفعول له (لاجله)
۱۳۰	پاسخ نامه مفعول له (لاجله)
۱۳۲	حال

سؤالات حال	۱۳۴
پاسخنامه حال	۱۳۶
تمییز	۱۳۹
سؤالات تمییز	۱۴۰
پاسخنامه تمییز	۱۴۳
منادی	۱۴۵
سؤالات منادی	۱۴۶
پاسخنامه منادی	۱۴۸
استثناء	۱۵۰
سؤالات استثناء	۱۵۱
پاسخنامه استثناء	۱۵۳
نعت	۱۵۶
سؤالات نعت	۱۵۸
پاسخنامه نعت	۱۵۹
إغراء و تحذیر	۱۶۲
سؤالات إغراء و تحذیر	۱۶۲
پاسخنامه إغراء و تحذیر	۱۶۳
عدد	۱۶۵
سؤالات عدد	۱۶۶
پاسخنامه عدد	۱۷۰
تأکید	۱۷۴
سؤالات تأکید	۱۷۴

۱۷۶	پاسخنامه تأکید
۱۷۸	بدل و عطف بیان
۱۷۸	سوالات بدل و عطف بیان
۱۸۰	پاسخنامه بدل و عطف بیان
۱۸۳	عطف به حرف
۱۸۳	سوالات عطف به حرف
۱۸۶	پاسخنامه عطف به حرف
۱۸۹	مدح و ذم
۱۸۹	سوالات مدح و ذم
۱۹۰	پاسخنامه مدح و ذم
۱۹۲	تعجب
۱۹۳	سوالات تعجب
۱۹۵	پاسخنامه تعجب
۱۹۹	فصاحت و بلاغت (بیان و بدیع)
۲۰۰	سوالات فصاحت و بلاغت (بیان و بدیع)
۲۰۲	پاسخنامه فصاحت و بلاغت (بیان و بدیع)
۲۰۴	ترجمه و مفهوم جمله
۲۰۶	سوالات ترجمه و مفهوم جمله
۲۱۱	پاسخنامه ترجمه و مفهوم جمله
۲۱۳	سوالات تجزیه و ترکیب، حرکت گذاری
۲۱۶	پاسخنامه تجزیه و ترکیب، حرکت گذاری



## در اهمیت

خوانندگان گرامی؛ لازم به یادآوری است که نشانه های درج شده در ابتدای هر سؤال، نشانگر درجه ای اهمیت پرسش های طرح شده است. سؤالاتی که علامت □ دارند نسبت به سایر سؤالات از بیشترین درجه ای اهمیت برخوردار هستند. این سؤالات را ممتاز می نامیم بدیهی است که سایر سؤالات از لحاظ آزمونی و کاربردی از اهمیت کمتری برخوردارند. به نحوی که علامت های □ □ در ابتدای سایر سؤالات به ترتیب بیانگر درجه ای اهمیت خیلی مهم و مهم هستند.

ناگفته نگذاریم که آن دسته از سؤالاتی که در ابتدای آن ها هیچ نشانه ای وجود ندارد، نسبت به سایر سؤالات از پایین ترین درجه ای اهمیت آزمونی و کاربردی برخوردارند.

### جامد و مشتق

اسم - جامد ← اسمی است که از کلمه‌ی دیگری گرفته نشده است. (القلم، البيت)  
 - مشتق ← اسمی که دارای معنای وصفی باشد و در یکی از وزن‌ها بیاید.

جامد - مصدری ← اسمی که می‌توان از آن مشتق ساخت. (النصر، العلم)  
 - غیر مصدری ← اسمی که نمی‌توان از آن مشتق ساخت. (الأسد، الدار)

اسم مشتق هشت نوع دارد که در ادامه می‌آید:

- ۱- اسم فاعل ← اسمی که به انجام‌دهنده‌ی عمل اطلاق می‌شود. (عالم، معلّم)
- ۲- اسم مفعول ← اسمی که بر کسی یا چیزی که عملی بر روی آن انجام شده است اطلاق می‌گردد. (معلوم، معلّم)

✓ اسم فاعل و اسم مفعول بر اساس ریشه‌ی فعل خود به دو نوع «ثلاثی مجرد و ثلاثی مزید» تقسیم می‌شوند.

در ثلاثی مجرد، اسم فاعل از ریشه‌ی «فاعل» و اسم مفعول از ریشه‌ی «مفعول» ساخته می‌شود. (عالم، ضارب، جاعل و معلوم، مضروب، مجعول)

در ثلاثی مزید، ساخت اسم فاعل و اسم مفعول چند مرحله را طی می‌کند.

- ۱- فعل مضارع ثلاثی مزید را در اولین صیغه‌ی آن انتخاب می‌کنیم. (يُحْسِنُ)
- ۲- حرف مضارعه را حذف کرده و به جای آن «میم» مضموم می‌گذاریم. (مُحْسِن)
- ۳- برای ساخت اسم فاعل، عین‌الفعل را مکسور می‌کنیم و برای ساخت اسم مفعول، عین‌الفعل را مفتوح می‌کنیم. (مُحْسِن، مُحْسَن به معنای نیکی‌کننده و نیکی شونده)
- ۳- صفت مُشبهه ← اسم مشتقی که بر یک صفت دلالت می‌کند و با یکی از اوزان زیر می‌آید:

فَعِيل (شریف)، فَعِيل (خشن)، فَعْل (سهل)، فَعْل (حسن)، فَعُول (رئوف)

- ۴- اسم تفضیل ← وصفی که در مقایسه با دیگری بر شیء اطلاق می‌شود و بر یکی از دو وزن ذیل می‌آید.

أَفْعَل برای مذکر (أكبر، أفضل) و فَعْلَى ← برای مؤنث می‌آید. (کبری، فُضلى)

۵- اسم مبالغه ← زمانی که یک صفت، بیش از اندازه در موصوف خود ظاهر شود و بر یکی از اوزان زیر می‌آید.

فَعَال (کشاف به معنای بسیار کشف کننده)، فَعَالَه (عَلامَة) و فَعُول (صبور)

۶- اسم زمان  
 ۷- اسم مکان

اسم زمان و مکان بر وزن «مَفْعِل» یا «مَفْعَل» می‌آید و با توجه به

کاربرد آن در جمله و معنای آن، می‌تواند اسم زمان یا اسم مکان باشد. (مَسْجِد، مَطْبُخ، مَغْرِب)

۸- اسم آلت ← اسمی است که بر ابزار دلالت می‌کند و بر سه وزن می‌آید. مِفْعَل (مِقْبَض) و مِفْعَلَة (مِسْكَنَة) و مِفْعَال (مِفْتاح)

### نکات

✓ برای تشخیص دادن جامد یا مشتق بودن یک اسم جمع، باید مفرد آن را به دست بیاوریم و بر اساس آن، جامد یا مشتق بودن را تشخیص دهیم. (مَقَاتِل جمع مَقْتَل، أَعْرَاء جمع عزیز)

✓ «خیر» مخفف کلمه‌ی «أَخِير» است و به جای آن به کار می‌رود.

✓ کلمات «جُهَال و كَفَّار و ...» جمع «جاهل، کافر و ...» هستند لذا نباید آنها را با اسم مبالغه اشتباه گرفت.

✓ کلمات «عَلِيّ، غَنِيّ، وَفِيّ، ذَكِيّ» صفت مشبّهه بر وزن فَعِيل هستند که به دلیل ادغام «لام الفعل» آن‌ها که «یاء» است. به این صورت در می‌آیند.

✓ بعضی کلمات هم‌وزن صفت مشبّهه هستند اما چون معنای وصفی و صفتی ندارند، آن‌ها را جامد می‌دانیم. (حَمْد، صَبْر)

✓ اگر صفت مشبّهه به رنگ یا عیب دلالت کند، مذکر آن بر وزن «أفعل» و مؤنث آن بر وزن «فَعْلَاء» می‌آید. این کلمات نباید با اسم تفضیل اشتباه گرفته شوند. (أَحْمَر، حمراء، أعمى، عمياء)

## سؤالات جامد و مشتق



۱ عین ما یصاغ من فعله التفضیل علی وزن «أفعل»:

(الف) الوصول إلى الغايات السامية يحتاج إلى همّة الشخص و حمايته من

جانب الآخرين

- (ب) فى الزبيح لما تصبح الطبيعة خضراء، يشفق قلب الانسان أن يتجول فيها  
 (ج) على الإنسان أن يشاور الخبراء حتى تزداد قدرته عند المشاكل  
 (د) كبر الطفل و قوى جسمه فظهرت قدرته الفكرية للجميع

٢  عین ما ليس فيه اسم الآلة:

- (الف) هناك مشاهد من الحياة البسيطة فى أطراف قريتنا  
 (ب) هل تعلم أن القطة لها مخلب يبرز حسب إرادتها  
 (ج) ما أجمل المصاييح التى تبدو من بعيد ساطعة عند الليل  
 (د) يبلغ طول مسطرتى الكبيرة أضعاف طول مسطوة صديقتى

٣  عین الجواب الذى ما جاء فيه اسم التفضيل: (انسانى-٧٩)

- (الف) أذنى / دنيا  
 (ب) أحسن / حُسنى  
 (ج) آخر / آخرة  
 (د) أعظم / عظمى

٤  عين الجامد:

- (الف) مُفكِّرة  
 (ب) مُتفكِّر  
 (ج) فِكور  
 (د) فِكْر (رياضى)

٥  أى كلمة «اسم الآلة»:

- (الف) ميزان  
 (ب) ميعاد  
 (ج) ميقات  
 (د) ميثاق (انسانى)

٦  عين الصفة المشبهة:

- (الف) علام  
 (ب) غضبان  
 (ج) قَيوم  
 (د) كَذوب (انسانى)

٧  عین الجامد:

- (الف) أُسرِع  
 (ب) صَدوق  
 (ج) كَرامة  
 (د) مَطار (انسانى)

٨  عين الصيغة المبالغة:

- (الف) جبان  
 (ب) جَيِّد  
 (ج) صَنك  
 (د) ظلوم (انسانى)

٩  عین ما ليس مشتقاً:

- (الف) بيضاء  
 (ب) عَلِيم  
 (ج) مُستقيم  
 (د) وسوسة

١٠  عین الصحيح عن «مرعى»:

(الف) اسم تفضیل  
(ب) اسم فاعل  
(ج) اسم مفعول  
(د) اسم مکان

۱۱ ما هو الصحيح عن العبارة التالية:

«المؤمن حريص على تقديم العون و المساعدة للآخرين»

(الف) المساعدة: اسم مفعول  
(ب) حريص: اسم مبالغة  
(ج) الآخرين: اسم تفضيل  
(د) المؤمن: اسم مبالغة

۱۲ أى الأسماء كلها مشتقة:

(انسانی-۸۲)

(الف) صبور- رحل  
(ب) عطشان- مقراض  
(ج) دنيا- علم  
(د) نصر- عظمی

۱۳ فى أى عبارة جاء «خير» بمعنى اسم التفضيل:

(انسانی-۷۷)

(الف) بيدك الخير إنك على كل شيء قدير  
(ب) بل تُؤثرون الحياة الدنيا و الآخرة خير  
(ج) فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ  
(د) وَ مَا تَعْمَلُوا مِنْ خَيْرٍ يَعْلَمُهُ اللَّهُ

۱۴ عین اسم الآلة من «نَضَد»:

(پزشکی-۷۷)

(الف) مَنْضُودَة  
(ب) مَنْضُود  
(ج) ناضدة  
(د) مَنْضُدَة

۱۵ عین الصحيح عن «مَطَار»:

(الف) اسم فاعل  
(ب) اسم مفعول  
(ج) اسم الآلة  
(د) اسم مکان

۱۶ عين الصحيح عن «فدياع»:

(الف) اسم آلة  
(ب) اسم مکان  
(ج) اسم زمان  
(د) مصدر ميمي

۱۷ عین الصحيح للغرغ: «مَحَكُّ الحديد يكون.....»

(الف) المنشار (ب) المنخل (ج) بالميرد (د) بالمذباع

۱۸ أى جواب كل اسمائه جامد:

- (الف) مأوی- فرار- غضبان  
(ج) صِغار- مساجِد- مِراعی
- (ب) صَفراء- سَيِّد- صبور  
(د) خُضوع- سُجون- سِبَاحَة
- عَيِّن اسم المفعول كلّه: ۱۹ □
- (الف) موخِّد- مأمن- مكرم- مقسوم  
(ج) مشكِل- مرسل- مطلب- مقدر
- (ب) مقبول- مصلِّق- موضوع- متعلِّم  
(د) مرتكب- منتشر- مشغول- مشكور
- كم اسماً مشتقاً في العبارة: «إنّ مضیع أموالی قال لی: أقسمُ أمامَ  
جميع الناس أني أرسلت لك أكثر أموالك سالمةً» ۲۰ □
- (الف) اثنان (ب) ثلاثة (ج) أربعة (د) خمسة
- عَيِّن اسم الفاعل من المزيد الثلاثي: ۲۱ □
- (الف) اشتهر الكُتّاب المسلمون بكتّابا تهم العلمیة و الفنئیة من قديم الزمان  
(ب) كانت معنویات قوّاتنا عالیة على رغم وجود بعض الصعوبات  
(ج) إتهم ذاهبون إلى عملهم أو عائدون إلى منازلهم  
(د) الإنسان العاقل لا یضیع الوقت فی ما لا ینفعه
- (سنجش-۹۱)
- «أراد الرائد أن یجرب جنوده فوضعهم فی العطش و الصعوبة» عَيِّن  
الأسماء المشتقة: ۲۲ □
- (الف) الرائد- جنود (ب) الرائد  
(ج) جنود- عطش (د) الرائد- جنود- عطش
- (سنجش-۸۵)
- «حضرتُ عند أصدقائی أسفاً و هم فرحون» كم اسماً فی العبارة: ۲۳ □
- (الف) اثنان (ب) واحد (ج) أربعة (د) ثلاثة
- (الف) الجامد: ۲۴ □
- (الف) مَجلس (ب) جالس (ج) جلیس (د) جُلوس
- عَيِّن الصحيح للنوع الأسماء التالية: «العطشان، المِظلة، البرّ» ۲۵ □
- (الف) صفة مشبهة- اسم مكان- مصدر  
(ب) صفة مشبهة- اسم آلة- صفة مشبهة  
(ج) صفة مشبهة- اسم آلة- مصدر

(د) مصدر - اسم آله - صفة مشبیهة

پاسخ نامه جامد و مشتق



- ۱ گزینه د صحیح است. در سه گزینه‌ی اول فعل‌ها ثلاثی مزیدند یعنی یحتاج، یشتاق و یشاور و افعال تفضیل از ثلاثی مزید ساخته نمی‌شود، ولی در گزینه‌ی د فعل «کبر» ثلاثی مجرد است که افعال تفضیل آن اکبر می‌باشد.
- ۲ گزینه الف صحیح است. در این گزینه اسم آلت نداریم. مشاهده، اسم مکان است. کلمات مخلب، مصابیح و مسطر در گزینه‌های دیگر به ترتیب اسم آلت هستند.
- ۳ گزینه ج صحیح است. کلمات در این گزینه بر وزن اسم فاعلند نه اسم تفضیل و اسم تفضیل بر وزن افعال و مؤنث آن فُعلی می‌باشد.
- ۴ گزینه د صحیح است. فکر جامد مصدری است. به معنای فکر کردن.
- ۵ گزینه الف صحیح است. میزان اسم آلت است که ترازو/ و بقیه اسم زمان و اسم مکان می‌باشند.
- ۶ گزینه ب صحیح است. غضبان بر وزن فعلان است. گرچه گزینه‌ی د بر وزن صفت مشبیه یعنی فعول آمده ولی معنای صفت مشبیه ندارد و در اصل معنای صیغهی مبالغه دارد.
- ۷ گزینه ج صحیح است. چون مصدر است. همه‌ی گزینه‌ها مشتق‌اند. الف: طبق اعرابی که در سؤال آمده (أ) فعل مضارع باب افعال است یا صیغهی مجهول سیزدهم ثلاثی مجرد است. ب: صفت مشبیه است. د: اسم مکان است.
- ۸ گزینه د صحیح است. ظلوم، صیغهی مبالغه است بر وزن فَعول.
- ۹ گزینه د صحیح است. وسوسة مشتق نیست، زیرا رباعی مجرد است.
- ۱۰ گزینه د صحیح است. مرعی اسم مکان بوده زیرا به معنای چراگاه است.
- ۱۱ گزینه ج صحیح است. آخرین اسم تفضیل است و در اصل اءَخر بر وزن افعال بوده است.
- ۱۲ گزینه ب صحیح است. تنها در این گزینه، تمامی موارد مشتقند، بلکه، رحل، علم و نصر جامد هستند.

- ۱۳ ▶ گزینه ب صحیح است. «خیر» در تمامی گزینه‌ها به معنای نیکی است. در این گزینه معنای آن «بهتر» است.
- ۱۴ ▶ گزینه د صحیح است. اسم آلة که یکی از وزن‌های آن مِفْعَل است، از نَضَد، منضدة است.
- ۱۵ ▶ گزینه د صحیح است. «مطار» بر وزن مَفْعَل و اسم مکان است.
- ۱۶ ▶ گزینه الف صحیح است. بر وزن مِفْعَال است. به معنای رادیو پس اسم آلت است.
- ۱۷ ▶ گزینه ج صحیح است. «تراشیدن آهن .....» تنها گزینه صحیح، مبرد که به معنای سوهان است.
- ۱۸ ▶ گزینه د صحیح است. خضوع، مصدر جامد. سجون به معنای زندان و سیاحت نیز مصدر جامد است.
- ۱۹ ▶ گزینه ب صحیح است. در تمامی گزینه‌ها یک یا دو کلمه اسم مفعولند.
- ۲۰ ▶ گزینه ب صحیح است. مضیع: اسم فاعل، اکثر: اسم تفضیل و سالمة اسم فاعل است. اگرچه کلمه‌ی جمیع گاهی معنای وصفی پیدا می‌کند ولی اینجا معنای وصفی ندارد و اسم مشتق نیست و از الفاظ تأکید است لذا گزینه‌ی صحیح ب می‌باشد.
- ۲۱ ▶ گزینه الف صحیح است. «المسلم»، اسم فاعل از باب افعال است.
- ۲۲ ▶ گزینه ب صحیح است. «رائد» اسم فاعل است. بقیه جامد هستند.
- ۲۳ ▶ گزینه ج صحیح است. «اصدقاء» (صدیق) صفت مشبه است. «أسف»، اسم فاعل است و فَرِح نیز صفت مشبهه است. سؤال از تعداد اسم است نه اسم مشتق، بنابراین کلمه «هم» که ضمیر غائب است نیز اسم است و گزینه صحیح ج می‌باشد.
- ۲۴ ▶ گزینه د صحیح است. جلوس مصدر ثلاثی مجرد است و جامد.
- ۲۵ ▶ گزینه ج صحیح است. عطشان صفت مشبه؛ «مظلة» اسم آلة به معنای چتر یا سایبان، و «بَرّ» به معنای نیکی کردن مصدر است.





## مذکر و مؤنث (جنس)

$$\left( \begin{array}{l} \text{- مذکر} \\ \text{- مؤنث} \\ \text{- معنوی} \end{array} \right) \text{ اسم} \left( \begin{array}{l} \text{- حقیقی} \\ \text{- معنوی} \end{array} \right)$$

$$\left( \begin{array}{l} \text{- ة، تاء (فاطمة)} \\ \text{- الف مقصوره (ليلي)} \\ \text{- الف ممدودة (زهراء)} \end{array} \right) \checkmark \text{ علامت تأنيث}$$

اسمها از لحاظ جنس، به دو نوع مذکر و مؤنث تقسیم می‌شوند. آنچه مهم است، تشخیص اسم‌های مؤنث است. علامت اسم‌های مؤنث یکی از این سه است که در نمودار آمده است.

✓ برخی اسم‌های مذکر وجود دارند که در انتهای آن‌ها «تاء» وجود دارد. دقت کنید که این اسم‌ها مذکر هستند ولی به آن‌ها مؤنث لفظی می‌گویند. (معاویه، حمزة)  
 ✓ الف مقصوره و ممدوده در صورتی علامت تأنيث هستند که از حروف زائد کلمه باشند نه حروف اصلی آن. (ماء، هدی، حياء مؤنث نیستند).

$$\left( \begin{array}{l} \text{- حقیقی} \leftarrow \text{اسمی که بر اسمی مؤنث (زن یا ماده) دلالت کند. (أم، فاطمة، بنت)} \\ \text{- مجازی} \leftarrow \text{اسمی که در حکم مؤنث است ولی حقیقتاً مؤنث نیست. (دار، شمس، صفحة)} \\ \text{- لفظی} \leftarrow \text{اسمی که بر اسمی مذکر دلالت کند، اما علامت تأنيث دارد. (طلحة، زکریاء)} \\ \text{- معنوی} \leftarrow \text{اسمی که دلالت بر مؤنث دارد ولی علامت تأنيث ندارد. (زینب، عین، طهران)} \end{array} \right) \text{ اقسام مؤنث}$$

✓ اسم‌های مؤنث معنوی گاهی مؤنث حقیقی هستند. (زینب، اخت) و گاهی مؤنث مجازی هستند. (طهران، عین)  
 اسم‌های مؤنث معنوی پنج مصداق دارند.



- ۱- اسم‌های علم (خاص) مؤنث ← مریم، منی
  - ۲- اسم‌های مخصوص افراد مؤنث ← بنت، أم، أخت
  - ۳- اسم شهرها و کشور ← ایران، طهران، مشهد
  - ۴- بیشتر اسم‌های اعضای زوج در بدن ← عین، ید، رجل
  - ۵- برخی کلمات سماعی ← أرض، شمس، دار
- جمع‌های غیر انسان در حکم مفرد مؤنث هستند یعنی فعل برای آن‌ها باید به صورت مفرد مؤنث به کار رود. (أشجار، رسائل، کتب)

### سؤالات مذکر و مؤنث (جنس)



- ۲۶  عین المؤنث اللفظی: (انسانی-۸۴)
- الف) ایران      ب) شمس      ج) عین      د) زکریاء
- ۲۷  عین المؤنث اللفظی: (سنجش-۹۲)
- الف) تُنَوِّرُ الشَّمْسُ أَرْضَنَا فِي كُلِّ نَهَارٍ  
ب) تَعْمَلُ أُمُّ مَرْيَمَ وَ زَيْنَبُ خَارِجَ الْبَيْتِ  
ج) الْيَدُ وَ الْعَيْنُ مِنْ أَهَمِّ أَعْضَاءِ جِسْمِ الْإِنْسَانِ  
د) طَلْحَةُ وَ خَمْرَةُ هُمَا صَدِيقَانِ وَفِيَّانَ
- ۲۸  عین ما ليس مؤنثاً:
- الف) عطشى      ب) عطشان      ج) دنيا      د) بيضاء
- ۲۹  عین فعلاً تأنيثه جائز:
- الف) رائحة ورد الياسمن تفوح في الحديقة صباح كل يوم  
ب) تقوى الطالبات القيم الاخلاقية بعملهن لا بأقوالهن  
ج) المعلمة الحنون تربي تلميذات بلادها على الفضائل الإنسانية القيّمة  
د) صباح اليوم حضرت في المدرسة الطالبات المجتهدات إلا اثنتين منهن
- ۳۰  عین الفعل يجب تأنيثه:
- الف) دارنا تقع في هذا الشارع القريب  
ب) انتصرت الثورة الاسلامية بنصر من الله

ج) خلقت النجوم و هی مصابیح السماء  
 د) تطلع شمسنا الجميلة كل صباح من المشرق

پاسخنامه مذکر و مؤنث (جنس)



- ۲۶ گزینه د صحیح است. (علامت تأنیث دارد بنابراین مؤنث لفظی است)
- ۲۷ گزینه د صحیح است. مؤنث لفظی، اسم مذکری است که علامت تأنیث داشته باشد. طلحة، حمزة
- ۲۸ گزینه ب صحیح است. «عطشان» مذکر است زیرا بر وزن فَعْلان است. اگر بخواهیم مؤنث شود باید نون آخر آن را برداریم: «عطشی».
- ۲۹ گزینه د صحیح است. در این گزینه به دلیل این که بین فاعل جمله یعنی «طالبات» و فعل جمله یعنی «حَصَرْتُ» فاصله افتاده است، لذا می توان فعل را مذکر و مؤنث آورد و هر دو درست است.
- ۳۰ گزینه الف صحیح است. فاعل این جمله، ضمیر مستتر «هی» است، لذا فعل حتماً باید به صورت مؤنث بیاید. اما سایر گزینه‌ها، چون فاعل آن‌ها اسم ظاهر و مؤنث مجازی است، لذا می توان فعل را مذکر آورد و آوردن تأنیث در فعل، وجوبی ندارد.



### مثنی و جمع (تعداد)

- مفرد	}	اسم
- مثنی		
- جمع		
- سالم		
- مکسر		

✓ هر اسمی از لحاظ تعداد به سه نوع مفرد، مثنی و جمع تقسیم می‌شود. مفرد هیچ علامتی ندارد و اگر کلمه‌ای علامت مثنی و جمع نداشته باشد، آن کلمه مفرد است.

✓ اسم مثنی با جمع شدن دو علامت «ان» یا «ین» در آخر کلمه به وجود می‌آید و دلالت بر دو می‌کند. (کتابان، صفحاتان، کتابین، صفحاتین)

✓ دو نوع اسم جمع داریم. جمع سالم و جمع مکسر یا ناسالم. جمع سالم مذکر با اضافه شدن «ون» یا «ین» به آخر کلمه مفرد ساخته می‌شود. (کتابون، کتابین)

اما جمع سالم مؤنث با حذف حرف تأنیث «تاء» از آخر کلمه و اضافه کردن «ات» به جای آن ساخته می‌شود. (صفحات)

✓ دقت کنیم که ممکن است کلماتی با «ان» یا «ین» یا «ون» ختم شوند اما مثنی و جمع نباشند. (غفران، حیران)؛ لذا اسمی مثنی یا جمع است که با حذف علامت تثنیه یا جمع آن، به مفرد آن برسیم. (مسلمین، معلمین)

✓ برخی از جمع‌های مکسر هستند که نباید با جمع سالم مؤنث اشتباه گرفته شوند. (اموات ← جمع میت، ایبات ← جمع بیت، اوقات ← جمع وقت)

✓ نون مثنی و نون جمع، در هنگام مضاف شدن حذف می‌شوند. در این حالت، نوع آن را از حرکت قبل از علامت مثنی یا جمع نوع آن را تشخیص می‌دهیم. (مسلمین ← مسلمی المدینة، مسلمی المدینة)

✓ اسم‌هایی مانند (علیون، عالمون، اولو، أرضون، أهلون) ملحق به جمع مذکر سالم هستند.

✓ جمع‌های مکسر قاعده و قانون خاصی ندارند و بر وزن‌های مختلفی می‌آیند. (أفعال ← انصار و أفکار، أفعلاء ← أنبیاء و أصدقاء، فِعال ← جبال و رجال، فُعلاء ← بُخلاء و عُلماء) اسم‌های مکان، معمولاً بر وزن «مفاعل» جمع بسته می‌شوند. (مدارس ← مدارس، مَعالی ← معالی)

سؤالات مثنى و جمع (تعداد)



٣١ عَيْن ما فيه الجمع السالم للمؤنث:

- (الف) هذا افضلُ ابيات سمعته  
 (ب) هل سمعتُ أصوات الطيور في هذا الرُفّاق؟  
 (ج) هل اشتريت باغات الورد من فلاح القرية؟  
 (د) رأيتُ بيوتاً في هذا الرُفّاق

٣٢ عَيْن المفرد من «خضراوان»:

- (الف) خَضْرَاو (ب) خَضْرَاء (ج) أَخْضَر (د) خُضْرَى  
 (انسانى)

٣٣ عَيْن المفرد من «دعاوى»:

- (الف) دَاعَى (ب) دَاعِيَة (ج) دَعْوَة (د) دَعْوَى  
 (انسانى)

٣٤ أَى عبارة لايشتمل على الجمع المكسر:

- (الف) و قد أثبتت التجارب أن كل مائة غرام من العسل تُعطي ثلاثمائة  
 سعرة حرارية  
 (ب) العسل لا يُفسد الانسان على خلاف السكريات الأخرى  
 (ج) للعسل عدّه خواص أخرى جعلته أفضل السكريات  
 (د) هذه المادة تُقدم لعضلات الجسم طاقة و نشاطاً قوياً  
 (انسانى-٨٢)

٣٥ عَيْن الخطاء فى التفسير:

- (الف) الدنيايا ← جمع «الدنيا» (ب) الألسن ← جمع «اللسان»  
 (ج) الدعاة ← جمع «الداعى» (د) السجون ← جمع «السجن»

٣٦ أَى جواب كل اسمائه جمع مكسر:

- (الف) الفتیان، الأمم، الاخوة (ب) الطاعات، البنات، الاصوات  
 (ج) القلوب، الجلوس، الوحوش (د) الجيران، الإيمان، الفتیان

٣٧ عَيْن الخطاء فى المفرد:

- (الف) شواغر- شاعر (ب) اصحاب- صاحب  
 (ج) رفقاء- رفيق (د) جَهْلَة- جاهل

(انسانى-٨٠)



- ۳۸  **أى جواب كل اسمائه جمع سالم مؤنث:** (انسانی-۷۷)
- (الف) معلّمات- مسلمات- اوقات      (ب) رسالات- مهمات- أصوات
- (ج) طالبات- مشاركات- سیارات      (د) عبارات- آیات- مجاهدات

**پاسخ‌نامه هفتی و جمع (تعداد)**



- ۳۱  **گزینه ج صحیح است.** باقات، جمع باقة است. در سایر گزینه‌ها، ابیات، اصوات، و بیوت جمع مکسرند نه سالم.
- ۳۲  **گزینه ب صحیح است.** در اینجا «خضراء» به جمع تبدیل شده و همزه‌ی آن به واو تبدیل گشته. مثل زهراء ← زهراوات
- ۳۳  **گزینه د صحیح است.** جمع بقیه گزینه‌ها، عبارت دیگری است.
- ۳۴  **گزینه د صحیح است.** در گزینه الف، التجارب جمع مکسر است. در گزینه ب: الأستان و در گزینه ج خواص؛ جمع مکسرند ولی گزینه‌ی د کلمه عضلات جمع سالم عضلة است.
- ۳۵  **گزینه الف صحیح است.** در این گزینه، مفرد کلمه‌ی الدنيا، کلمة الدنيا است.
- ۳۶  **گزینه الف صحیح است.** در گزینه ب، الطاعات جمع سالم مؤنث برای الطاعة است. در گزینه ج، الجلوس مفرد و به معنای نشستن است. در گزینه د، الايمان مفرد است.
- ۳۷  **گزینه الف صحیح است.** مفرد شواعر، شاعرة است. در حالی که جمع مکسر برای شاعر، شعرا است.
- ۳۸  **گزینه ج صحیح است.** اوقات، در گزینه‌ی الف، أصوات در گزینه‌ی ب، و آیات در گزینه‌ی د جمع مکسر است.

### نسبت

- ✓ برای نسبت‌دادن یک اسم به جایی یا کسی یا چیزی از اسم منسوب استفاده می‌کنیم. (ایرانی، شیعی)
- ✓ برای ساخت اسم منسوب «ی» (یا مشدّد) را به انتهای کلمه مورد نظر اضافه می‌کنیم. (طهران ← طهرانّی)
- ✓ توجه شود که اسم منسوب با این مثال‌ها اشتباه گرفته نشود. (اسم مشتق ← فعلیل ← غنّی، ذکّی، اسم منقوص ← قاضی، هادی)
- ✓ اگر «تاء» در آخر کلمه‌ای وجود داشت، برای ساختن اسم منسوب، آن را از آن کلمه حذف می‌کنیم. (مکه ← مکّی)
- ✓ اسم منسوب غالباً به عنوان یک صفت، بعد از یک اسم به کار می‌رود. (رجلّ من مکّة ← رجلّ مکّی)
- ✓ بعضی از اسم‌ها برای منسوب‌شدن، تغییراتی پیدا می‌کنند. (علّی ← علّوی، موسی ← موسوی، مدینه ← مدنّی)

### سؤالات نسبت



۳۹ عین المنسوب لیس مرفوعاً:

- (الف) لا يدافع الجندى البطل عن أراضى إلا بروحه
- (ب) أحبّ الليالى التى أشعة القمر الفضية فيها أكثر جمالاً
- (ج) التملة كأنها مهندسة معمارية تبني بنفسها القلاع و الحصون تحت الأرض
- (د) مع التكاسل الذى أراه فى أداء واجباتك المدرسية، ستكون أيام السنة الدراسية صعبة لك.

۴۰ عین الخطأ فى النسبة: (انسانی-۹۲)

- (الف) سكبت شايًا حارًا ذهبيّة اللون لضيوفنا
- (ب) كتبنا تحقيقاً صحفياً عمّا شاهدناه لاصدقائنا
- (ج) لدنيا أخبار مؤكدة بأنّ هذا الطريق الصحراويّ طريق أمن.
- (د) ذهبنا إلى السوق مع أمنا بعه فراغنا من الأعمال المدرسية

۴۱ عَيْنُ الْخَطَأِ (فِي الْأَسْمِ الْمُنْسُوبِ): (انسانی-۹۱)

- (الف) لِنَازِمِيلَةَ ظَاهِرِهَا غَرِيبَةً وَ لَكِنَّ فِكْرَهَا شَرْقِيَّةً  
 (ب) هَذَا الْأُسْتَاذُ مِنْ أَسْلِ مِصْرٍ وَ لَكِنَّ أُسْرَتَهُ لِبْنَانِيَّةً  
 (ج) كَانَتْ هَذِهِ الْعَالِمَةُ أَصْفَهَانِيَّةً الْمَوْطِنُ وَ شِيرَازِيَّةً الْمَدْفِنُ  
 (د) إِنَّهُ مِنْ عِظْمَاءِ الْإِسْلَامِ فِي الْعُلُومِ وَ الْفُنُونِ وَ هُوَ إِيرَانِيٌّ أَسْلُ

۴۲ عَيْنُ الْمُنْسُوبِ:

- (الف) هُوَ إِنْسَانٌ سَمَاوِيٌّ وَ تَعَالِيْمُهُ نَبَوِيَّةً  
 (ب) أَنْتَ الرَّاضِي عَنْ ذَلِكَ الدَّاعِي  
 (ج) اِهْتِمَامِي بِعَمَلِي قَدْ رَفَعَنِي فِي حَيَاتِي  
 (د) هَذَا الْغَنِيُّ هُوَ السَّاعِي فِي عَمَلِهِ

۴۳ عَيْنُ الْخَطَأِ عَنِ الْأَسْمِ الْمُنْسُوبِ:

- (الف) الْحُجُّ فَرِيضَةٌ إِلَهِيَّةٌ يَجِبُ عَلَيْنَا أَنْ نَقُومَ بِهَا  
 (ب) اشْتَرَيْتَ مِنَ السُّوقِ قَدْحًا زَجَاجِيَّةً  
 (ج) أَيَّامَ الدِّرَاسَةِ فَرِصَةٌ ذَهَبِيَّةٌ لَكُمْ، فَانْتَهِزُوا  
 (د) خَذْ هَذِهِ الْوَسَادَةَ الْقَطْنِيَّةَ وَ نَمِ عَلَيْهَا

۴۴ عَيْنُ الْمُنْسُوبِ لـ «كَمِينِ الْعَسْكَرِ» (انسانی-۷۶)

- (الف) الْكَمِينِ الْعَسْكَرِيُّ      (ب) الْكَمِينِيُّ الْعَسْكَرِيُّ  
 (ج) الْعَسْكَرِيُّ الْكَمِينِيُّ      (د) كَمِينِ الْعَسْكَرِيُّ

۴۵ مَيِّزُ «أَسْلُوبِ النَّسْبَةِ» لِلْعِبَارَةِ التَّالِيَةِ: «أَخْطَاءُ مَنْسُوبَةٌ إِلَى الْمَطْبَعَةِ»

(انسانی-۷۵)

- (الف) خَطَأٌ مَطْبَعِيٌّ      (ب) خَطَأٌ مَطْبَعِيَّةً  
 (ج) أَخْطَاءٌ مَطْبَعِيٌّ      (د) أَخْطَاءٌ مَطْبَعِيَّةً

۴۶ عَيْنُ الْمُنْسُوبِ الصَّحِيحُ لـ «رِضَا»:

- (الف) رَضَى      (ب) رَضَائِي      (ج) رِضَاوِي      (د) رَضَوِي

۴۷ «يَمْنَعُ الْإِسْلَامُ لِبَسِ ..... لِلرَّجُلِ» عَيْنُ الْخَطَأِ لِلْفَرَاغِ: (سنجش-۸۴)

- (الف) الْأَلْبِسَةُ الْحَرِيرِيَّةُ      (ب) الثُّوبُ الْحَرِيرِيُّ



(د) الثوب من الحرير	(ج) الألبسة الحريرى
(سنجش-۸۲)	۴۸ عین الخطأ فى النسبة: □□
(ب) أجنبيّ- قومی- عَلِيّ	(الف) ایرانی- اَثَرِيّ- إلهي
(د) ذريّ- عائليّ- إسلامي	(ج) حراريّ- فارسيّ- شیرازی

### پاسخ نامه نسبت

۳۹ ▶ **گزینه د صحیح است.** در گزینه الف کلمه «الجدى» اسم منسوب است و فاعل و مرفوع می‌باشد. گزینه «ب» کلمه «اللّیالی» اصلاً منسوب نیست ولی کلمه «الفصیّة» منسوب ولی مرفوع است، صفت «اشعّة» نیز مرفوع است. در گزینه ج کلمه «معماریّة» اسم منسوب است و مرفوع. اما در گزینه د کلمه «المدرسیّة» صفت است برای واجبات؛ لذا مجرور است. «الدراسیّة» نیز صفت است برای «السنة» و لذا این کلمه نیز مجرور است.

۴۰ ▶ **گزینه الف صحیح است.** صفت باید در جنس، تابع موصوف باشد، در اینجا نیز «ذهبیّة» نباید به صورت مؤنث بیاید زیرا موصوف آن یعنی شای مذکر است.

۴۱ ▶ **گزینه الف صحیح است.** در این عبارت کلمه‌ی غربی خبر برای ظاهر و شرقی خبر برای فکر است و چون خبر در جنس باید با مبتدا یا اسم خود متناسب باشد لذا در اینجا باید به صورت مذکر بیایند نه مؤنث.

۴۲ ▶ **گزینه الف صحیح است.** کلمات «سماویّ» و «نبویّ» اسم منسوب هستند و در سایر گزینه‌ها به ترتیب، (راضی، داعی) اسم منقوص، (اهتمامی- عملی- حیاتی) اسم مضاف به «ی» و «الغنی» صفت مشبّهه و (ساعی) اسم منقوص است.

۴۳ ▶ **گزینه ب صحیح است.** معمولاً اسم‌های منسوب، نقش صفت را دارند و گفته شد که موصوف و صفت نیز باید در جنس، عدد، معرفه و نکره با یک‌دیگر برابر باشند. لذا می‌شود: «قدحاً زجاجیّاً» نه «زجاجیّة»

۴۴ ▶ **گزینه الف صحیح است.** اسم منسوب غالباً برای اسم ما قبل خود صفت یا نعت است؛ به همین جهت چون «العسکریّ» معرفه است، اسم ما قبل آن نیز باید به صورت معرفه بیاید و در گزینه‌های «ب» و «ج» کلمه «الکمین» نباید منسوب

بیاید؛ به معنی «کمین نظامی» است.

۴۵ ▶ **گزینه د صحیح است.** اسم منسوب غالباً صفت است و باید تابع موصوف خود باشد. در اینجا «اخطاء» جمع غیر انسان و در حکم مفرد مؤنث است. بنابراین صفت یا اسم منسوب آن نیز باید مفرد مؤنث باشد.

۴۶ ▶ **گزینه د صحیح است.** اسم‌هایی که به حرف‌های «ی، ا» ختم می‌شوند، هنگام تبدیل به اسم منسوب ابتدا حرف آخر آن‌ها به «واو» تبدیل می‌شود و سپس «یاء» مشدد اسم منسوب را می‌افزایند. «رضا» می‌شود «رضوی»

۴۷ ▶ **گزینه ج صحیح است.** «الألبسة» جمع غیر انسان است و در حکم مفرد مؤنث است بنابراین صفت آن باید به صورت مؤنث یعنی «الحریریة» ظاهر شود.

۴۸ ▶ **گزینه ب صحیح است.** «علی» در گزینه ب باید به صورت «عَلَوی» بیاید زیرا می‌دانیم که برخی اسم‌ها در هنگام منسوب شدن تغییر مختصری می‌کنند.



## مصغّر

برای تحقیر و کوچک جلوه‌دادن شخصی یا چیزی از اسم مصغّر استفاده می‌کنیم.

(فارسی ← مردک، طفلک)

(عربی ← طُفیل، رُجیل)

به مثال‌های زیر توجه فرمایید:

شُجیرَة ← شجرة صغيرة / طُفیل ← طفلٌ صغيرٌ

✓ مراحل ساختن اسم مصغّر:

۱- حرف اول اسم را مضموم می‌کنیم.

۲- حروف دوم اسم را مفتوح می‌کنیم.

۳- سپس حرف «ی» را اضافه می‌کنیم. (عبد ← عبید، جبل ← جُبیل)

✓ اسم‌هایی که در آخر آن‌ها «تاء» تأنیث آمده است برای تصغیر، بروزن «فُعَيْلَة»

می‌آیند. (عَلْبَة ← عُلْبَة)

## سوالات مصغّر



۴۹ عَيْنُ الْخَطَا فِي التَّصْغِيرِ:

(الف) قالت لطفلها الصَّغِيرِ: يا طفيلتي أُحْبِك كثيرًا

(ب) قطعنا مسافة و وصلنا إلى البيت قبيل المساء

(ج) شاهدنا وُلدًا يسير قرب تلك الشجيرة حافيًا

(د) أصيب هذا المريض يُجريح و سال منه دمٌ كثير

۵۰ عَيْنُ مَا يَرَادُ مِنَ الْمَصْغَرِّ تَحْقِيرُ شَأْنِهِ: (انسانی-۹۲)

(الف) يا طفيلي؛ احفظ نفسك من السُّقُوطِ فِي الْمَهَالِكِ

(ب) جاء أخى الحسين و سلّم على أبونا و حبس مؤدّبًا

(ج) يعبد بعض الناس فى العالم شجيرة الغىّ بدلاً من عبادة الله

(د) قالت أختى لوليدها: عزيزى؛ انت قادر على التقدم فى أعمالك

۵۱ عَيْنُ مَا يَرَادُ مِنَ الْمَصْغَرِّ تَحْيِيْبُ شَأْنِهِ:



- (الف) هذه السُّويكة تُؤذِنُنِي فَأُخْرِجُهَا مِنْ يَدِي  
 (ب) حَبِّدًا هَذِهِ الْبَيْتَةَ الَّتِي تَعْمَلُ أُمُورَهَا وَحِيدَةً  
 (ج) أَبْعِدْ هَذِهِ الْحَجِيرَاتِ مِنْ طَرِيقِنَا لِكَيْ نَتَحَرَّكَ سَرِيعًا  
 (د) لَيْتَ ذَلِكَ الْعَبِيدَ يُنْفِقَ مِنْ مَالِهِ الْكَثِيرِ شَيْئًا

۵۲ □ عَيْنُ الْخَطَأِ فِي التَّصْغِيرِ:

- (الف) قَدْ يُسْتَعْمَلُ حَجِيرٍ مَلُونٍ فِي بِنَاءِ الْأَبْنِيَةِ  
 (ب) الشَّجِيرَاتِ لَا تُفَاوِمُ فِي الْجَوِّ الْحَارِّ غَالِبًا  
 (ج) رَأَيْنَا فِي نَهِيرَةِ أَسْمَاكَ صَغِيرَةً فَلَمْ لُضْدهَا  
 (د) وَصَلْتُ إِلَى الْمَدْرَسَةِ قَبِيلَ أَنْ يُدَقَّ الْجَرَسُ

۵۳ □ مَبْزُ الْمَصْغَرِّ لـ «عَلْبَةٍ»

- (الف) عَلِيبَ (ب) عَلَيْبَةَ (ج) عُبَيْلَةَ (د) عَلَيْبَةَ

۵۴ □ مَبْزُ الْمَصْغَرِّ لـ «فُضْلِ»

- (الف) فَضُولَ (ب) فَضِيلَ (ج) فَضِيلَ (د) فَضِيلَ

۵۵ □ عَيْنُ الْخَطَأِ فِي التَّصْغِيرِ:

- (الف) شَمْسٍ ⇨ شُمَيْسٍ  
 (ب) شَجْرَةٍ ⇨ شُجَيْرَةٍ  
 (ج) حُسَيْنٍ ⇨ حُسين  
 (د) أُذُنٍ ⇨ أُذَيْنَةٍ

### پاسخ‌نامه مصغّر



۴۹ ▶ **گزینه الف صحیح است.** برای مضر کردن اسامی باید به جنس آنها وفادار بود لذا در این گزینه «طفل» که مذکر است به صورت مؤنث «طفیلة» مضعر شده است که این اشتباه است.

۵۰ ▶ **گزینه ج صحیح است.** با ترجمه گزینه سوم به تحقیری که در معنای آن وجود دارد پی می‌بریم. «برخی مردم در دنیا درختچه‌ی گمراهی را به جای عبادت خداوند می‌پرستند» لذا این گزینه صحیح است.

۵۱ ▶ **گزینه ب صحیح است.** باید به ترجمه گزینه‌ها دقت کرد. ترجمه گزینه الف می‌شود: «این خار کوچک مرا آزار می‌دهد.»

ترجمه گزینه ب می‌شود: «چه خوب است این دختر کوچکی که ..... که معنای

محبت از آن مراد است.

ترجمه گزینه ج و د به ترتیب می‌شود: «دور کن این سنگریزه را .....» و «ای کاش آن بنده‌ی کوچک.....»

۵۲ ▶ **گزینه ج صحیح است.** کلمه نهر به معنای «رودخانه» است که اسم مصغّر آن می‌شود. «نَهْرٌ» به معنای «رودخانه کوچک». اما در سایر گزینه‌ها مصغّر «حجر» می‌شود «حُجِر» مصغّر «الشجرة» می‌شود «الشجيرة» که جمع مؤنث سالم آن می‌شود «الشجيرات» و مصغّر «قبل» می‌شود «قَبِيلٌ».

۵۳ ▶ **گزینه د صحیح است.** همانطور که می‌دانیم اسم‌هایی که آخر آن‌ها با «ة» است، اسم مصغّر آن‌ها بر وزن «فَعِيلَةٌ» است. مانند عَلِيَّةٌ «که اسم مصغّر «علبة» است.

۵۴ ▶ **گزینه ج صحیح است.** قبلاً بیان شد که اسامی مصغّر بر وزن «فَعِيلٌ» می‌آیند. مانند «فُضِّلٌ» که می‌شود «فُضِيلٌ»

۵۵ ▶ **گزینه د صحیح است.** اسم مصغّر «أذن» می‌شود «أذِنٌ» و باید به جنس اسامی به معنای مذکر و مؤنث بودن آنها در ساخت حالت تصغیر اسامی وفادار بود.



### معرفه و نکره

اسم  $\left\{ \begin{array}{l} \text{- نکره} \\ \text{- معرفه} \end{array} \right.$

اسم‌ها از لحاظ شناخت قبلی به دو دسته معرفه و نکره تقسیم می‌شوند. اسم‌های معرفه ۶ مورد هستند. برای مثال می‌گوییم «آن مرد آمد». آن مرد به جهت اشاره‌ای که به او شده است برای ما آشناست اما اسم‌های نکره که شامل غیر از آن ۶ مورد هستند اسم‌هایی است که نسبت به آنها هیچ‌گونه آشنایی وجود ندارد مانند اینکه بگوییم «مردی آمد»

✓ اسم‌های معرفه ۶ مورد هستند.

۱- اسم علم یا همان اسم خاص ← (علی، حسن، مریم، کعبه، جواد)

۲- اسم ضمیر ← (هم، هو، ها، ایاک)

۳- اسم اشاره ← (هَذَا، هَاتَانِ، ذَلِكْ، تِلْكَ)

۴- اسم موصول ← (الَّذِي، الَّتِي، هُوَآءِ)

۵- اسم‌هایی که در ابتدای آن‌ها «ال» می‌آید. ← (الْكِتَابُ، الرَّجُلُ)

۶- اسم‌های مضافی که به یک اسم معرفه اضافه شده‌اند. ← (عَالِمُ الْمَدِينَةِ، كِتَابُ عَلِيٍّ)  
 ✓ در مورد قسمت آخر باید توجه کرد که اسم نکره حتماً باید به یک اسم معرفه اضافه شده باشد. اگر به یک نکره اضافه شود، هر دو نکره خواهند بود، (كُلُّ يَوْمٍ)، اما اگر به معرفه اضافه شود، این اضافه موجب معرفه شدن آن نکره خواهد بود؛ (بَلَدِي)

✓ «ما» و «من» تنها در صورتی معرفه هستند که از نوع موصول باشند. این‌ها می‌توانند به عنوان یکی از این چهار مورد زیر بیایند:

۱- موصوله ← در این صورت، بعد از آن‌ها جمله یا شبه‌جمله‌ای وجود دارد که آن‌ها را توضیح می‌دهد. (يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَوَاتِ)

۲- شرطیه ← دو فعل پس از آن می‌آیند و هر دو مجزوم هستند. (مَنْ يَصْبِرْ يَظْفِرْ)

۳- استفهامیه ← معمولاً در ابتدای جمله می‌آیند. (مَنْ يَصْبِرُ عِنْدَ الْبَلَاءِ)

۴- نافییه ← همیشه قبل از یک فعل ماضی می‌آید و آن فعل را منفی می‌کند. (مَا سَمِعَ)

✓ اسم علم انسان بر سه نوع است:

۱- اسم خاص (علی، حسین)

۲- لقب (زین العابدین)

۳- کنیه (ابوالحسن، ابن علی)

✓ موصول کلمه‌ای است که معنای آن با جمله یا شبه جمله‌ی بعد از آن کامل می‌شود. این جمله یا شبه جمله را «صله» می‌نامند.

• أنْفِقَ بما عندک ← آنچه را که نزدت است انفاق کن. (ما: موصول، عندک: صله)

✓ لازم است در صله ضمیری وجود داشته باشد که به موصول برگردد. لذا باید جنس با آن هماهنگ باشد. این ضمیر را «عائد» گویند که گاهی مذکور است و گاهی محذوف.

• هو الذی أرسل رسولہ بالهدی ← او کسی است که رسولش را به هدایت فرستاد. (هو مستتر در أرسل ضمیر عائد است.)

✓ موصول دو نوع داریم:

۱- موصول عام: این نوع از موصول از نظر جنس و تعداد یک نوع است. «من» برای انسان‌ها (عَلِمَ مَنْ لَا یَعْلَمُ) و «ما» برای غیر انسان‌ها به کار می‌رود. (انفق بما عندک)

۲- موصول خاص: در این نوع از موصول، جنس و تعداد موصول اهمیت دارد. موصول خاص شامل: الذی، التی، الذان، اللتان، التین، الذین، الآتی، الآئی است. (هو الذی انزل رسولہ بالهدی)

## سوالات معرفه و نکره



۵۶ عین عائد الصلة محذوفاً: (انسانی-۹۱)

(الف) لا تستقلُّ ما جمعت لتكون راضياً بما تملك

(ب) الحسنة التي تُكتسب بالكذب والجِدِّ تنفع فاعلها

(ج) برودة الهواء سببت أن لا تُذمَّئني الألبسة الكثيرة التي كنت لبسْتُها

(د) المسألة التي كانت تُشغل فكري هي أن شجرة الحديقة أخذت تيبس من البرد

۵۷ عین الموصول مرفوعاً: (انسانی-۸۹)

(الف) یهدی الأنبياء من يعصون الله  
 (ب) أبقي أعمالك، ما تعمله لله خالصاً  
 (ج) ربّي أعلم منّي بما أحتاج إليه  
 (د) هل يستوى العالم في عينك مع من هو جاهل

۵۸ □ عین العبارة التي فيها اسم موصول: (انسانی-۸۴)

(الف) ما تأق من خير فتجد جزاءه بسرعة  
 (ب) أنفق ممّا تملك، في سبيل الله ليرضى عنك  
 (ج) ما تعمل حين يسلم الناس عليك و يهنئونك  
 (د) ذهبت الى المسجد بسرعة و لكن ما سمعت كلام الخطيب

۵۹ □ عین الخطأ في الموصولات (انسانی-۸۳)

(الف) زارت النساء من كان يساعده الآخري  
 (ب) المؤمنان اللذان يعبدان الله هما مخلصان  
 (ج) شاهدت الطالبين الذين يطالعان كتابها  
 (د) أراد طالبون أن يجرب القائد الذي تحت قيادته

۶۰ □ أي الضمائر لا تناسب العبارة؟

(الف) ..... نقض عليك احسن القصص (نحن)  
 (ب) يا أيّتها الطالبة اغزلي عن الزوائل (هما)  
 (ج) خرج الرسول ﷺ من مكة و ..... يُردّد آيةً من القرآن (هو)  
 (د) سأنجم في الامتحان إن شاء الله (أنا)

۶۱ □ ما هي كلمة «من» في الآية الشريفة: «من الناس من يتخذ من دون

الله انداداً» (انسانی-۷۵)

(الف) اسم استفهام  
 (ب) اسم شرط  
 (ج) حرف جرّ  
 (د) موصول عام

۶۲ □ ماهي نوع كلمة «ما» في هذه العبارة: «لا تقل ما لم تعلم»

(الف) استفهاميه (ب) موصوله (ج) نافية (د) زائده

۶۳ □ مبيز المعرفة:



- الف) غضبان (ب) هو (ج) غنى (د) مُدَّة
- ٦٤ كَم عدد المعارف في هذه الجملة؟ (انسانی-٨٦)
- «إِنَّ الْإِسْلَامَ لَمْ يَفْتَحِ الْبِلَادَ بِهَدَفِ الْحِتَالِ بَلْ يَفْتَحُ الْقُلُوبَ قَبْلَ فَتْحِ الْبِلَادِ.»
- الف) خمس (ب) ست (ج) سبع (د) ثمانى
- ٦٥ أَى عبارةٍ لَانْتَمَل على اسم المعرفة: (انسانی-٨٠)
- الف) نَوْمٌ على علمٍ خَيْرٌ من صلاةٍ على جَهْلٍ  
 (ب) و لَانْتَجَل يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَى عَنَقِكَ  
 (ج) يَا مَنْ إِشْمُهُ دَوَاءٌ وَ ذِكْرُهُ شِفَاءٌ  
 (د) مَنْ سَاتَرَ عَيْبَكَ فَهُوَ عَدُوُّكَ
- ٦٦ عَيِّن النكرة:
- الف) اللَّهُمَّ أَنْتَ أَعْلَمُ بِأَحْوَالِ عِبَادِكَ الْمَخْلُصِينَ  
 (ب) أَحَدُ سَبَابِ بِنَاءِ الْمَسَاجِدِ هُوَ اجْتِمَاعُ الْمُسْلِمِينَ  
 (ج) شَاهَدَتِ الْمَكْتَبَاتُ الْقِيَمَةَ فِي مَسَاجِدِ مَدِينَتِكُمْ  
 (د) نَحْنُ مَا وَجَدْنَا فِضَائِلَ هَذِهِ الْمُؤْمِنَةِ فِي الْآخِرِينَ
- ٦٧ عَيِّن «من» أو «ما» معرفة:
- الف) ما هي أسباب نجاحك في الحياة  
 (ب) من أراد أن يتعلم، فعليه أن يصغى إلى المعلم  
 (ج) هو أول من نجح في أعماله  
 (د) ما أعظم هذا الاختراع و ما أغربه
- ٦٨ عَيِّن الخطأ للفراغات: «..... أبو ..... و يعمل من أجل راحة  
 أُسر.....» (سنجش-٩٢)
- الف) هو- نا- نا (ب) ذلك- ه- ه  
 (ج) أنت- ي- ك (د) هذا- ك- ه
- ٦٩ إضافة إلى هذه العناوين العلمية أما رأيت في صحف الصباح لبلادنا  
 إيران موضوعات جديدة عن خواص النباتات الطيبة» عَيِّن المعرفة  
 التي لاتوجد في العبارة:
- الف) الضمير (ب) اسم العلم

(ج) الموصول (د) المعرف بالإضافة

۷۰ □ عین الخطأ (على حسب الضمائر)

(الف) ساعدوا أصدقاءكم و لا تتركوهم عند المصائب  
(ب) هل أنتم تعلمون أن اليوم موعد ذهابكم إلى السفر؟  
(ج) تحملاً صعوبة حياتكما بشهامه، أيتها الطالبتان  
(د) يا صديقي؛ هل تشجعين أولادك على تناول السمك؟

۷۱ □ «أحبُّ النَّاسَ إلینا مَنْ یعمل الخیر و هو عالم به» عین عدد المعارف:

(سنجش-۸۸)

(الف) أربع (ب) خمس (ج) سبع (د) ست

۷۲ □ کم ضمیراً متصلاً فی الآیة الکریمه:

«وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا»

(الف) واحد (ب) إثنان (ج) ثلاثة (د) أربعة

۷۳ □ عین الجملة الخالية من الضمیر المتصل المرفوع:

(سنجش-۸۳)

(الف) لا تحقرن أحداً من أصدقائك  
(ب) أوفوا المكيال و الميزان بالقسط  
(ج) النساء العاقلات يُحافظن على حُرمتهن  
(د) الأغنياء ورثوا ميراث فرعون و هامان

۷۴ □ عین نوع المعرفة التي لا توجد في العبارة: «أنا و مريم ذهبنا إلى

(سنجش-۸۳)

المكتبة التي قرب مسجد»

(الف) العلم (ب) الموصول  
(ج) المعرف بأل (د) المعرف باضافة

۷۵ □ عين المناسب للفراغ: «أثمن من العينين ..... في رأسك، العقل .....»

في باطنك»

(الف) اللتين - الذي (ب) اللذين - الذي  
(ج) اللتان - التي (د) الذين - ما

## پاسخ‌نامه معرفه و نکره



- ۵۶ **گزینه الف صحیح است.** تنها در این گزینه است که عائد صله حذف شده است. در اصل باید «جمعتها» و «تملكها» می‌بود که «ها» در آن‌ها حذف شده. در گزینه‌ی ب عائد صله «هی مستتر» در تُکتسب است. در گزینه ج «ها» در «لبستها» و در گزینه د «هی مستتر در فعل تشغل».
- ۵۷ **گزینه ب صحیح است.** موصول در اینجا «ما» است که خبر است و مرفوع. در گزینه الف من مفعول به است و منسوب. در گزینه ج، «ما» مجرور به حرف جر و در گزینه د «من» مضاف‌الیه است و مجرور.
- ۵۸ **گزینه ب صحیح است.** کلمه‌ی «ما» در گزینه ب موصول است در حالی که در گزینه الف شرط است؛ در گزینه ج استفهام، و در گزینه د نافییه.
- ۵۹ **گزینه ج صحیح است.** در این گزینه صله و موصول تناسب ندارند، الذین جمع است و صله‌ی آن یعنی یطالعان مثنی است.
- ۶۰ **گزینه ب صحیح است.** در این گزینه «هما» مثنای غایب است، در حالی که الطالبة مؤنث و مفرد است.
- ۶۱ **گزینه د صحیح است.** مَنْ در این جمله با توجه به معنای آیه، به معنای موصول عام و صله‌ی آن یتَّخذ است.
- ۶۲ **گزینه ب صحیح است.** ما در این جمله موصول و صله‌ی لم تعلم است. زیرا ترجمه‌ی عبارت این است: «نگو آنچه را که نمی‌دانی.»
- ۶۳ **گزینه ب صحیح است.** تمامی گزینه‌ها به جز این گزینه نکره‌اند. هو ضمیر است و ضمائر معرفه‌اند.
- ۶۴ **گزینه د صحیح است.** معرفه‌های معرفه به ال عبارتند از: الإسلام. البلاد، الاحتلال، القلوب، البلاء و معرفه‌های به اضافه عبارت‌اند از: هدف، قبل، فتح که جمعاً ۸ معرفه می‌شوند.
- ۶۵ **گزینه الف صحیح است.** در این گزینه معرفه نداریم. در گزینه‌ی ب: ید، عنق معرفه به اضافه و هر دو متصل به ضمیر ک. در گزینه ج: من، اسم موصول و دو ضمیر، ه و ذکر و در گزینه د: مَنْ، عیب، عدو، و ضمیر «هو» معرفه‌اند.

- ۶۶ **گزینه الف صحیح است.** در این گزینه کلمه‌ی نکره «أعلم» است.
- ۶۷ **گزینه ج صحیح است.** در گزینه الف «ما» استفهام است. در گزینه ب، «من» شرط است و درگزینه د، «مای تعجب» است. بنابراین در گزینه ج «من» موصول و معرفه است.
- ۶۸ **گزینه ج صحیح است.** «أنت» با فعل «يعمل» مطابقت ندارد، «انت» مخاطب است و «يعمل» غائب.
- ۶۹ **گزینه ج صحیح است.** در این عبارت موصول نداریم. «ما» در این عبارت موصول نیست بلکه فعل ماضی را منفی کرده.
- ۷۰ **گزینه ب صحیح است.** در این گزینه «انتم» جمع است ولی «تعلم» مفرد آمده. درست آن بدین صورت است: هل انتم تعلمون.
- ۷۱ **گزینه ج صحیح است.** احبّ، الناس، نا، من، الخیر، هو، ه هفت عدد.
- ۷۲ **گزینه ب صحیح است.** در «ربک» ضمیر «ک» و در تعبدوا ضمیر «و»، باید توجه داشت که «ایاه» ضمیر منفصل است.
- ۷۳ **گزینه الف صحیح است.** در این گزینه ضمیر متصل مرفوعی نداریم. قابل توجه: لاتحقرنّ  $\leftarrow$  نون تأکید است نه ضمیر.
- ۷۴ **گزینه د صحیح است.** در این عبارت، کلمه‌ی مریم معرفه به علم است. الّتی معرفه به موصول است. المكتبة معرفه به «ال» است. ولی کلمه‌ای که معرفه به اضافه باشد نیست و باید توجه داشت که کلمه‌ای که به نکره اضافه شود نکره است نه معرفه بنابراین کلمه‌ی «قرب» نکره است با این که به «مسجد» اضافه شده است.
- ۷۵ **گزینه الف صحیح است.** «عین» مؤنث معنوی است. لذا موصول آن نیز باید مؤنث و مثنی باشد. اما «العقل» مفرد مذکر است لذا موصول آن نیز باید مفرد مذکر باشد.

## معرب و مبنی

کلمات  $\left( \begin{array}{l} - \text{ مبنی} \\ - \text{ معرب} \end{array} \right)$

کلمات در زبان عربی از لحاظ قابلیت تغییر اعراب ظاهری آن‌ها به دو قسم مبنی و معرب تقسیم می‌شوند:

✓ کلمات مبنی کلماتی هستند که اعراب ظاهری آن‌ها یا حرکت آخر این کلمات در شرایط مختلف قابل تغییر نباشد. (علیُّ الذی ذهب فی الدار، ضربت علیُّ الذی ذهب فی الدار ← در این دو مثال، الذی ابتدا مرفوع است و بعد منصوب، منتها اعراب و حرکت آخر آن تغییری داده نشده)  
✓ اسم‌های مبنی عبارتند از:

۱- ضمائر (متصل و منفصل) ← هو، هما، هُ، هما، ... ، ایاهُ، ایاهما، .....

۲- موصولات ← الذی، الذین، الآتی، من، ما، التی

البته اسم‌های موصول در حالت مثنی معرب هستند. (الذان، اللذین، التان، اللتین)

۳- اسم‌های اشاره ← هذا، هذه، تلك، ذلك، هؤلاء، هنا، هناک.

البته اسم‌های اشاره در حالت مثنی معرب هستند. (هذان، هذین، هاتان، هاتین)

۴- اسم‌های استفهام ← کیف، ما، من، أين، متى ...

۵- اسم‌های شرط ← من، ما ...

۶- برخی ظروف ← أمس، إذا، لَمَّا، ...

✓ اما از میان افعال، فعل‌های ماضی و امر و دو صیغه‌ی جمع مؤنث مضارع، مبنی بوده و سایر فعل‌ها معرب هستند.

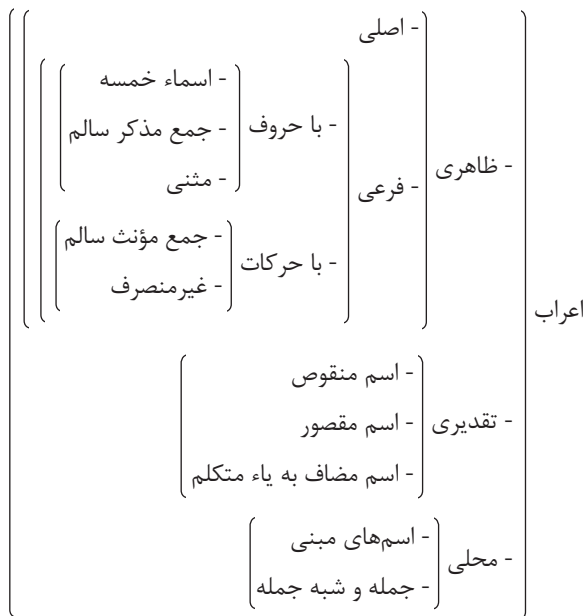
✓ فعل همواره مبنی بر حرکت «لام» است. (ذهب ← مبنی بر فتح، ذهبن ← مبنی بر سکون)

✓ کلماتی که به «الف» و «یاء» ختم می‌شوند، همواره مبنی بر سکون هستند. (علی، نی، ما)

✓ اعداد مرکب از یازده تا نوزده نیز مبنی هستند. (أحد عشر الی تسعة عشر) هر دو جزء این اعداد مبنی بر فتح هستند. به جز قسمت اول عدد دوازده که مبنی نیست و

مانند مثنی اعراب می‌گیرد.

✓ افعال مضارعی که متصل به نون تأکید هستند نیز مبنی هستند. (يَكْتُبَنَّ)  
 ✓ کلمات معرب کلماتی هستند که حرکت آخر آن‌ها یا اعراب ظاهری آن‌ها بنا به جایگاهشان در جمله تغییر می‌کند. به جز کلماتی که برای مبنی ذکر کردیم، بقیه‌ی کلمات، معرب هستند.



- اعراب ظاهری اصلی وقتی است که حرکت آخر بنا به موقیت آن ظاهراً تغییر پیدا می‌کند. (علیٌ ذهب ← علی فاعل و مرفوع است، نصحتٌ بعلي ← علی مجرور به حرکت جر است، ضربتُ علی ← علی مفعول و منصوب است)
- اعراب ظاهری فرعی زمانی است که یک حرف یا یک حرکت، نیابتاً اعراب اصلی را بیان می‌کند.
- اسم مثنی دارای دو علامت «ان» و «ین» است که اگر در حالت رفع باشد با «ان» می‌آید و اگر در حالت نصب یا جر باشد با «ین» می‌آید. در این حالت «الف» و «یاء» علامت‌های فرعی هستند. (جاء رجلان ← فاعل و مرفوع به اعراب فرعی، رأیت رجلین

← مفعول و منصوب به اعراب فرعی)

• جمع مذکر سالم دو علامت «ون» و «ین» دارد. هنگامی که این نوع کلمه مرفوع باشد با «ون» می‌آید و هرگاه که منصوب یا مجرور باشد با «ین» می‌آید. در این حالت اعراب فرعی است.

(جاء المسلمون ← فاعل و موضوع به اعراب فرعی، رأیتُ المسلمین ← مفعول و منصوب به اعراب فرعی)

• گروهی از اسم‌ها به اسماء خمسہ معروفند (أب ← پدر، أخ ← برادر، فو ← دهان، حم ← خویشاوند، ذو ← صاحب) این کلمات هنگامی که در حالت‌های مختلف اعراب ظاهر می‌شوند به جای علامت اصلی اعراب یعنی «فتحه و کسره و ضمه»، علامت دیگری می‌گیرند. این علامت‌ها «الف» به جای نصب و فتحه، «یاء» به جای کسره و جر و «واو» به جای رفع و ضمه هستند.

جاء ابوک، جاء أخوک، جاء ذو مال ← مرفوع به اعراب فرعی «واو»

رأیت اباک، رأیت ذا مال ← منصوب به اعراب فرعی «الف»

علی اخبیک، علی ذی مال ← مجرور به اعراب فرعی «یاء»

✓ اسم‌های معرب به دو دسته تقسیم می‌شوند:

۱- منصرف: اسم‌هایی که حرکات اعرابی و تنوین را می‌پذیرند.

۲- غیر منصرف: اسم‌هایی که تنوین را نمی‌پذیرند و به جای «کسره»، «فتحه» می‌گیرند و از قرار زیرند:

الف) اسم‌های علم مؤنث (فاطمه، مریم، زینب)

اسم‌های اغلب شهرها و کشورها نیز علم مؤنث به حساب می‌آیند. (فلسطین، شیراز، ایران)

ب) اسم علم غیر عربی (ابراهیم، یوسف، بهروز)

ج) صفت بر وزن «أفعل» (أحمر، أحسن، أكرم)

د) جمع مکسر بر وزن «مفاعل» و «مفاعیل» (مساجد، مصابیح، مسائل)

ه) اسم دارای «اء» زائد (زهراء، علماء، فضلاء)

و) اسم‌های علم مذکر دارای علامت تأنیث (حمزة، معاوية، طلحة)

ذ) صفت بر وزن فعلان (عطشان، غضبان)



جمع‌های مکسر مشابه وزن‌های «مفاعل» و «مفاعیل» نیز غیرمنصرف هستند. مثلاً جمع‌های بر وزن «أفَاعِل، أفَاعیل، فواعل و ...».

• اسامی پیامبران الهی به غیر هفت پیامبر، غیرمنصرف هستند. این هفت اسم عبارتند از (محمد ﷺ، صالح، شعیب، شیث، هود، لوط، نوح (علیهم‌السلام))

✓ اسم‌های غیرمنصرف هنگامی که مضاف شوند یا «ال» بگیرند، کسره می‌پذیرند. (مناسک در ... فی المناسک)

✓ اسم‌های جمع مؤنث سالم در یک حالت اعراب فرعی دارند. این اسم‌ها در حالت نصب، «کسره» می‌گیرند، یعنی به جای «فتحه» یا «تنوین فتحه»، «کسره» یا «تنوین کسره» می‌پذیرند. اما در حالت «رفع» و «جر» اعراب اصلی دارند:

۱- رأیت المعلمات ← منصوب به اعراب فرعی «کسره»

۲- جاء المعلمات ← مرفوع به اعراب اصلی «ضمه»

✓ جمع مؤنث سالم نباید با جمع‌های مکسری که به «ات» ختم می‌شوند اشتباه گرفته شوند. این جمع‌های مکسر اعراب اصلی دارند نه فرعی (أصوات، ابیات، أوقات)

✓ اسم‌های معرب را از لحاظ حرف آخر به انواع زیر تقسیم می‌کنند:

۱- اسم مقصور

۲- اسم منقوص

۳- اسم ممدود ← در انتهای خود به «الف ممدودة» (الف و همزه) ختم می‌شود. (صحراء، زهراء)

۴- اسم صحیح الآخر ← اسمی که در هیچ یک از اقسام بالا نباشد (رجل، کتاب)

✓ برخی اسم‌ها اعراب تقدیری دارند یعنی اعراب آن ظاهر نمی‌شود، مبنی هم نیستند. به همین علت می‌گوییم اعراب تقدیری دارند. این کلمات عبارتند از:

۱- اسم منقوص ← در انتها به «باء» ی ما قبل مکسور ختم می‌شوند. (هادی، کافی)

۲- اسم مقصور ← در انتها به «الف» ما قبل مفتوح ختم می‌شود. (کبری، عصا)

• اسم منقوص در حالت‌های رفع و جر اعراب تقدیری و در حالت نصب اعراب ظاهری دارد:

جاء القاضی ← فاعل و مرفوع تقدیراً، رأیتُ القاضی ← مفعول و منصوب، سلمتُ علی